

محیط زیست: جعفر تشکری هاشمی، معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار تهران گفت: در تهران و سایر کلانشهرهای کشور شاهد افزایش چشمگیر خودروهای شخصی و موتورسیکلت‌ها هستیم که موجب بروز آسیب‌های زیست‌محیطی خواهد شد.

مریم سعادت

زیباترین روزهای زندگی‌ام



نام و چهره «مریم سعادت» با فیلم‌هایی که شخصیت‌های عروسکی در آن حضور دارند گره خورده است و خیلی از دهه شصتی‌ها با شنیدن نامش یاد فیلم به یادماندنی «زی زی گولو» و نقش طنزگونه او در این فیلم می‌افتند. هر چند

این روزها حضور او در فیلم‌های تلویزیونی کم‌رنگ شده است و دیگر کمتر تصویر او در جعبه جادویی دیده می‌شود، اما دغدغه اصلی این بازیگر دوست داشتنی تئاتر است، به‌ویژه تئاتر عروسکی. از همه اینها که بگذریم نام مریم سعادت در ردیف بازیگران معلم و مدرس دانشگاه قرار دارد و برای همین در هفته معلم سراغ این بازیگر هم‌محلی رفتیم تا از دغدغه‌های یک بازیگری که مدرس دانشگاه هم هست بیشتر بدانیم.

خانم سعادت بدون مقدمه شروع کنیم، چطور سر از دنیای تدریس در آوردید. معلمی مثل خیلی از خانم‌های دیگر شغل مورد علاقه‌تان بود؟

خیر. برخلاف خیلی‌ها من اصلاً به شغل معلمی علاقه خاصی نداشتم و این علاقه، دلیل ورود من به کار تدریس نبود. اما بعد از پایان تحصیلات خودم و انجام مطالعات فراوان در خصوص تئاتر عروسکی به این نتیجه رسیدم که در این رشته حرف‌هایی برای گفتن دارم و اطلاعاتی در این رشته وجود دارد که شاید کمتر کسی آنها را بداند. به دلیل همین نیاز هم بود که بر خودم لازم دیدم که وارد محیط دانشگاه شوم.

در دانشگاه تئاتر عروسکی تدریس می‌کنید؟

بله. چون این رشته یکی از رشته‌های هنری مهجور است و منابع غنی در ایران ندارد. غنی‌ترین منابع تئاتر عروسکی در روسیه وجود دارد و اصلاً در این کشور این رشته آنقدر پر طرفدار است که اداره‌های بسیاری برای آن وجود دارد. اما متأسفانه در ایران خود تئاتر هم مظلوم و بدون اقبال است چه برسد به تئاتر عروسکی. برای همین من همه تلاش خودم را در دانشگاه می‌کنم تا به دانشجویانم اهمیت این رشته هنری و اطلاعات آن را منتقل کنم.

آدم جدی به نظر می‌رسید، در کلاس درس هم همین قدر جدی هستید؟

جدی هستیم، اما جزو آن دسته از استادان نرم و انعطاف‌پذیری که دانشجویانم را ترغیب می‌کنم به اینکه به درسی که می‌خوانند علاقه داشته باشند. همه دانشجویانم هم می‌دانند که من فضای استاد و دانشجویی را سر کلاس ایجاد نمی‌کنم و روز اول به همه می‌گویم که مجبور نیستند برای گرفتن نمره سر کلاس بیایند. تا علاقه به دانستن و میل به آن نباشد، درس خواندن تا دکتری هم فایده‌ای ندارد.

چند سال است که تدریس می‌کنید؟

۱۵ سال است که درس می‌دهم و البته الان دو سه سالی می‌شود که تدریس را کنار گذاشته‌ام و کار کارگاهی در دانشگاه انجام می‌دهم و از انجام آن هم لذت بسیاری می‌برم.

شما خودتان هم روزی پشت نیمکت‌های مدرسه نشسته‌اید، خاطره جالبی از معلمی در ذهنتان نیست؟

چرا. کلاس سوم دبستان بودم که علاقه خاصی به معلم زبان انگلیسی‌ام در مدرسه ملی زمان قبل از انقلاب داشتم و هر هفته انتظار آمدن او را به سر کلاس می‌کشیدم. او یک طورهایی الگوی من بود. من آن معلم دوست داشتنی را ۳۵ سال بعد در یکی از کشورهای اروپایی دیدم و آن روز یکی از بهترین روزهای زندگی من بود.

محمود عزیزی

تدریس را با همه دنیا عوض نمی‌کنم

نام و چهره محمود عزیزی بینندگان تلویزیون را یاد آخرین بازی‌اش در تلویزیون در سریال ستایش می‌اندازد، اما گذشته از حضور در صدا و سیما محمود عزیزی یکی از پیشکسوتان تئاتر ایران و دغدغه و کار اصلی او هم تئاتر است. او سال‌هاست که در دانشگاه تدریس می‌کند و از آن معلم‌های دوست داشتنی است که دانشجویان برای حضور در سر کلاسش سر و دست می‌شکنند. بعد از یک جست‌وجوی کوتاه بود که متوجه شدیم او ساکن منطقه ماست و تصمیم گرفتیم هم‌زمان با هفته معلم گفت و گوی کوتاهی با او صورت دهیم.

چند سال است که در دانشگاه درس می‌دهید؟

۱۸ سال است که در رشته هنرهای نمایشی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران تدریس می‌کنم. شغل اصلی‌ام تئاتر است، اما روزمرگی باعث شد که به سمت دنیای تصویر کشیده شوم.

معلمی را چقدر دوست دارید؟ آیا به این شغل به چشم یک عادت نگاه می‌کنید؟

نمی‌دانید چه لذتی دارد وقتی چیزی را به کسانی یاد می‌دهی که آن را نمی‌دانند. یاد دادن برای من یکی از بهترین لذت‌های دنیاست که حاضر نیستم با هیچ چیزی عوض کنم.

وقتی دانشجویان تازه وارد دانشگاه، شما را به‌عنوان یکی از پیشکسوتان تئاتر و بازیگران تلویزیون سر کلاس می‌بینند بر خورده‌شان چگونه است؟

حضور یک بازیگر در دانشکده هنر برای تدریس هنرهای نمایشی اتفاق دور از انتظاری نیست و اصلاً همه استادان تئاتر و نمایش دانشگاه از بازیگران قدیمی سینما و تلویزیون هستند. هر چند با وجود این بداهه بودن حضور یک بازیگر در دانشگاه هنر برای تدریس، باز هم خیلی‌ها ذوق زده می‌شوند و حتی یک جلسه هم غیبت نمی‌کنند.

از زمان دانش آموز بودن خودتان و معلم‌ها یتان چیزی در ذهنتان مانده است؟

خشونت یکی از چیزهایی است که من از دوران دانش‌آموزی خودمان یادمان مانده است. تنبیه‌های بدنی مثل فلک کردن که هنوز هم هر قدر فکر می‌کنم نمی‌توانم وجود آن را در سیستم آموزشی آن زمان ببذیرم.

طوری از تنبیه و فلک کردن حرف می‌زنید انگار تلخی فلک شدن را چشیده‌اید؟ این طور نیست؟

(می‌خندد) نه ولسی تصویر آن روزها بدجوری در ذهنم حک شده است. هر چند در حال حاضر هم بعضی از شیوه‌های غلط آموزشی چیزی کم از تنبیه بدنی ندارد.

